

بررسی تطبیقی رابطه صفات با ذات الهی از دیدگاه مذاهب کلامی

سید جابر مهدوی*

مهدی فرمانیان**

چکیده

اندیشه‌های متکلمان اسلامی درباره رابطه صفات با ذات، در دو رویکرد الهیات ایجابی و سلبی منحصر شده است. غالب متکلمان به رویکرد ایجابی و اثباتی صفات کمالی برای ذات حق باورمندند، اما در کیفیت ارتباط صفات با ذات اختلاف دارند. مشهور شیعه، زیدیه، بعضی از معتزله و فیلسوفان متکلم قائل به نظریه عینیت شده، معتقدند ذات حق و صفات خداوند حقیقت واحدی در خارج دارد و هر رویکرد اثباتی مخالف با نظریه عینیت را به اشکال ترکیب و تعدد قدما متهم کرده‌اند. اصحاب حدیث و سلفیان قائل به نظریه غیریت شده، معتقدند صفات، زائد بر ذات و حقیقتی جدای از ذات حق دارند. اشاعره و ماتریدیان قائل به نظریه قائمیت شده، معتقدند صفات ذاتی خداوند نه عین و نه غیر او هستند و هر رویکرد اثباتی مخالف خود را یا متهم به ترکیب یا متهم به عروض عوارض بر ذات حق کرده‌اند. قائلان به رویکرد سلبی با اعتقاد به اینکه نفی تشبیه و ترکیب از ذات حق مستلزم نفی هرگونه صفتی از ذات حق است، با تأکید بر نظریه نفی صفات، در محدوده تنزیه دو دسته شده‌اند که از آن میان اسماعیلیان معتقد به تنزیه مطلق و بعضی از متکلمان شیعه اثناعشریه و معتزله معتقد به نظریه نیابت شده‌اند.

واژگان کلیدی: وجودشناسی، الهیات ایجابی، الهیات سلبی، عینیت، غیریت، قائمیت، نیابت.

* دانش‌پژوه سطح چهار رشته کلام مقارن مرکز تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی مشهد. (نویسنده مسئول)

mahdavi1396@gmail.com

** استاد دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی. m.farmanian@chmail.ir

مقدمه

از مهم‌ترین مباحث توحیدی پس از مسئله اثبات خدا، مباحث اسما و صفات الهی است که در سه حوزه لفظ‌شناختی، وجودشناختی و معناشناختی صفات بررسی می‌شود. یکی از حوزه‌های اختلافی در این بخش، حوزه وجودشناسی صفات است که به دورویکرد الهیاتی (اثباتی و سلبی) و کیفیت ارتباط صفات ذاتی با ذات حق می‌پردازد.

نکته مهم آن است که نصوصی از آیات قرآن کریم بر اثبات وجود این صفات برای پروردگار دلالت دارد؛ آیاتی که در آن خداوند متعال خود را به اوصافی کمالی (مانند حیات، قدرت، علم، سمع و بصر) توصیف کرده است. از سوی دیگر بر اساس آموزه‌های توحیدی و تأکید آیاتی مانند «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱) و روایاتی مانند «کمال توحیده نفی الصفات عنه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۰) هیچ شباهتی بین خداوند و مخلوقات وجود ندارد. از دل این دلایل به ظاهر متعارض پرسش‌هایی برای هر خواننده ایجاد می‌شود؛ از جمله اینکه:

- آیا می‌توان با حذف ویژگی‌های انسانی از اوصاف فوق آنها را برای ذات حق اثبات کرد یا باید رابطه صفت و موصوف را عقلاً مساوی با غیریت و دوئیت و در نتیجه مستلزم ترکیب و تشبیه دانست و بر اساس آن هرگونه صفتی را از ذات حق نفی کرد؟
 - میان مذاهب اسلامی کدام رویکرد نسبت به صفات قائلین بیشتری دارد؟ رویکرد اثباتی یا رویکرد سلبی؟
 - میان قائلین به اثبات، چه دیدگاه‌هایی درباره صفات با ذات مطرح است؟ دلایل و نقدهای هر نظریه کدام است؟
- هدف این نوشتار بررسی تطبیقی آرا و ادله مذاهب اعتقادی موجود در جهان اسلام و پاسخ به پرسش‌های فوق است.

در بین آثار، جامع‌ترین اثری که تاکنون در این موضوع نوشته شده است کتاب رابطه ذات و صفات الهی نوشته دکتر معروف‌علی احمدوند است. این اثر به اقوال و ادله تمام مذاهب - اعم از شیعه امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، اشاعره، ماتریدیه، معتزله و حتی

اصحاب حدیث و سلفیان که مذهب شمرده نمی‌شوند - پرداخته است و از این رو اثری کامل به شمار می‌رود. اما از جهاتی ضعف دارد و با این نوشتار متفاوت است: یکی از جهت تطبیق و مقایسه میان آرا، ادله و نقدها، که در این کتاب صورت نگرفته و به نقل آنها اکتفا شده است و دیگری دقیق نبودن انتساب بعضی اقوال به بعضی از مذاهب (مانند انتساب نظریه زیادت به اشاعره) و بیان بعضی اقوال با حال تردید (مانند بیان نظریه ماتریدیان و عدم تعیین نظریه اصحاب حدیث و سلفیان به دلیل عدم دستیابی به آرای آنان در باب وجودشناسی توحید صفاتی).

تعریف توحید صفاتی نزد مذاهب

در کتاب‌های کلامی مذاهب اسلامی یا اساساً تعریفی از توحید صفاتی ارائه نشده و صرفاً به مباحثی درباره معناشناسی (یگانگی و وحدت برون‌ذاتی) و وجودشناسی (یکتایی و وحدت درون‌ذاتی) صفات (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۷۲ و ۷۴) توجه شده است یا تعریف‌های ارائه شده، یک بُعد از توحید صفاتی را تبیین کرده است.

میان متکلمان شیعه، غالب تعریف‌هایی که ارائه شده ناظر به جنبه وجودشناختی صفات است؛ مانند تعریفی که از توحید صفاتی به عینیت صفات با ذات تعبیر کرده است (مقداد، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، ص ۱۶۹؛ استرآبادی، البراهین القاطعه فی شرح تجرید العقائد الساطعه، ج ۲، ص ۱۹؛ حسینی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۷۸؛ درودآبادی، شرح الأسماء الحسنی، ص ۱۸۴ و ۱۸۵؛ موسوی زنجانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۰؛ گروهی از نویسندگان، ۲۰۰۶م، ص ۲۰۱) و کمتر تعریفی میان کتب کلامی شیعه دیده می‌شود که مانند تعریف قاضی سعید قمی (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۰۶) و شهید مطهری (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۰۱)، تعریفی مرکب از نفی ترکیب در ذات و نفی تشبیه خارج از ذات را ارائه کرده باشد.

گرچه در کتاب‌های کلامی زیدیه و اسماعیلیه اصطلاحی با عنوان توحید صفاتی کمتر دیده می‌شود، اما با توجه به آنچه این دو مذهب در حوزه توحید صفات به آن پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد مقصود آنان از توحید صفاتی نفی ترکیب از ذات حق باشد (رصاص، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ سید عبدالله، ۱۴۲۶ق، ص ۵۹؛ کرمانی، ۱۹۸۳م،

ص ۱۳۵؛ بدوی، ترجمه تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، ج ۲، ص ۳۰۹-۳۲۲).
 ماتریدیان نیز غالباً از توحید صفاتی به نفی نظیر تعبیر کرده‌اند، اما بعضاً تعبیرهایی دارند که از آنها هم نفی ترکیب و هم نفی نظیر از ذات حق استفاده می‌شود؛ مانند تعریفی که عبدالغنی میدانی در شرحش بر عقیده طحاویه بیان می‌کند (میدانی، ۱۹۹۵ق، ص ۴۷). اما اشاعره در تعریفشان بر یگانگی و معناشناسی صفات تأکید دارند و معتقدند توحید صفاتی به معنای شبیه و شریک نداشتن خداوند در صفات است (شهرستانی، ۱۴۳۰ق، ص ۸۵).

اصحاب حدیث و جریان موسوم به سلفیه نیز در تعریفشان بر حوزه معناشناسی تکیه دارند و مقصودشان آن است که اولاً خداوند را به اوصافی باید خوانند که در کتاب و سنت آمده و ثانیاً باید بدون هیچ‌گونه تحریف، تعطیل، تکلیف و تمثیل باشد (ابن تیمیه، ۱۴۲۵ق، ص ۴۱؛ ابن خلیفه التمیمی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۱).

بنابراین میان تعاریفی که ذکر شد بعضی از تعاریف ناظر به جنبه معناشناسی و بعضی ناظر به جنبه وجودشناسی و بعضی دیگر نیز جامع بین این دو حوزه بود که جامع‌ترین تعریف در بین تعاریف ارائه شده نزد مذاهب اسلامی، تعریف توحید صفاتی به یگانگی و یکتایی ذات حق و نفی هرگونه ترکیب و تشبیه است.

بیان اجمالی دیدگاه‌ها

پس از اثبات خداوند مهم‌ترین مسئله توحیدی پرداختن به ماهیت وجودی و تکوینی صفات و رابطه آن با ذات الهی است. اگر در یک تقسیم کلی صفات را به ثبوتی^۱، سلبی، ذاتی و فعلی تقسیم کنیم (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶؛ سبحانی، ۱۴۲۸ق، ص ۸۵؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۳ش، ص ۱۷؛ آمدی، الابکار الافکار فی اصول الدین، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ایچی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲)، این صفات ثبوتی (علامه حلی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۶) هستند که در رابطه وجودشناختی صفات با ذات، محل نزاع می‌باشند (سبحانی، ۱۳۹۱ش، ص ۸) و بعضی از مصادیق آن عبارتند از: قدرت، اراده، علم، حیات، سمع، بصر و تکلم (ر.ک: لاهیجی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۴۶).

۱. صفات ثبوتی یا صفات جمالیه صفاتی است که به واقعیتی در ذات حق اشاره دارد.

اما پیش از پرداختن به آرای مختلف مذاهب باید گفت به طور کلی اقوال مذاهب در باب وجودشناختی صفات در دو رویکرد متقابل منحصر است: رویکرد اول، که رویکرد غالب است، اعتقاد به وجود صفات ذاتی برای پروردگار می‌باشد، اما در کیفیت اتصاف ذات حق به این اوصاف و ارتباط آن با توحید ذاتی دیدگاه‌های متفاوتی دارند و در یک تقسیم‌بندی کلی به سه نظریه عینیت، غیریت و قائمیت تقسیم می‌شوند. در این میان غالب متکلمان شیعه (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲؛ طوسی، بی‌تا، ص ۶۳؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۸؛ جمیل حمود، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۱)، مشهور ائمه زیدیه (ابن محمد، بی‌تا، ص ۳۹؛ ابن سلیمان، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۳؛ ابن محمد شرفی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲۷؛ ابن محمد شرفی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۹؛ ابن یحیی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۵۰؛ ابن محمد، ۱۴۲۲ق، ص ۵۲؛ ابن حمزه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۲۲)، گروهی از معتزله (هذیلیه) (اشعری، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۱۸۸؛ جار الله، ۱۹۹۰م، ص ۷۶؛ سبحانی، ۱۳۷۰ش، ج ۳، ص ۴۲۷؛ قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲ق، ص ۱۱۸) و در نهایت فلاسفه - اعم از مشائی (ابن سینا، ۱۴۲۱ق، ص ۲۲۶؛ فارابی، ۱۳۸۱ش، ص ۵۸؛ حائری مازندرانی، ۱۳۶۲ش، ج ۵، ص ۱۲۶؛ نراقی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۴۷۷)، اشراقی (سهروردی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۶۰؛ دوانی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۳؛ شهرزوری، ۱۳۷۲ش، ص ۳۸۰؛ دشتکی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۳) و حکمت متعالیه (شیرازی، ۱۳۶۶ش، ج ۴، ص ۳۱؛ سبزواری، ۱۳۷۶ش، ص ۵۸۳؛ طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۲۲۶) بر نظریه عینیت و عدم غیریت صفات با ذات حق تأکید دارند و همراهی هر حقیقت قدیم دیگری را با ذات ممتنع و مستلزم شرک می‌دانند (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۰). معتقدان به این نظریه دارای تفاسیر مختلفی مانند عینیت مصداقی و مفهومی (ابن سینا، ۱۳۶۳ش، ص ۲۱)، و عینیت مصداقی و تغایر مفهومی هستند که در جای خود به توضیح آنها خواهیم پرداخت. از سوی دیگر اهل حدیث (سفارینی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۴۱؛ بیهقی، الاعتقاد و الهدایة الی سبیل الرشاد، ص ۷۹) و سلفیان (ابن تیمیه، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۷۴؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۹ق، ص ۱۸۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۳۳۹؛ همو، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۴۸؛ ابن قیم، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۵۹؛ السعدی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۱) بر غیریت و زیادت صفات با ذات تأکید دارند.

در نظریه سوم مشهور ماتریدیان (ماتریدی، بی تا، ص ۱۰۸؛ رازی، ۱۴۲۲ق، ص ۸۹؛ صابونی، ۱۹۶۹م، ص ۴۹؛ غزنوی، ۲۰۰۹م، ص ۵۸؛ نسفی، ۱۴۲۱ق، ص ۹۲؛ غزنوی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۱۴ و ۱۰۲؛ قاری، ۱۹۹۵م، ص ۲۵) و اشاعره (ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۹۶؛ رازی، بی تا، ص ۱۰۸؛ غزالی، ۱۴۲۴ق، ص ۷۹؛ شهرستانی، ۱۴۳۰ق، ص ۳۷؛ آمدی، بی تا، ص ۱۹۸؛ بغدادی، ۲۰۰۳م، ص ۸۴؛ اسفراینی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶۵) معتقدند صفات ذات، قائم به ذات پروردگار است؛ به این معنا که هرگونه عینیت و غیریت ذات با صفات باید نفی شود.

رویگرد دوم، رویکرد نفی صفات است که شامل اسماعیلیه (سجستانی، بی تا، ص ۳۱؛ ابن ولید، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷؛ ابن محمد، نعمان، بی تا، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن الحسین حامدی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱؛ گروهی از نویسندگان، ۲۰۰۶م، ص ۷۶) و بعضی از متکلمان شیعه (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۵۵)، مشهور معتزله و جهمیه می شود که قائلان به آن معتقدند عقلاً اثبات هرگونه صفت برای ذات حق - به هر شکلی (عینیت، غیریت و قائمیت) که باشد - مستلزم دوئیت و ترکیب در ذات حق خواهد بود (قاضی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۱۹).

نظریه عینیت

قائلان به این نظریه، که گاهی از آن به نفی صفات زائد بر ذات نیز تعبیر می کنند (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۹۶؛ ابن محمد شرفی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۲۰؛ شیرازی، ۱۳۶۸ش، ج ۶، ص ۱۰۷؛ نراقی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۴۷۷؛ مظفر، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰۴)، معتقدند صفات حقیقه خداوند عین ذات حق اند (فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲۲؛ علامه حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۱۰؛ ابن سلیمان، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۴؛ قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲ق، ص ۱۱۸ و ۱۱۹) و در حقیقت این صفات، وجودی غیر از وجود ذات ندارند؛ چراکه وجود واجب در اتصاف به آنها از تأثیر هر مؤثری بی نیاز است؛ زیرا متأثر شدن مساوی با حدوث است (ابن محمد شرفی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۵۸؛ همو، ۱۴۱۵ق، ص ۸۹) و لازمه وصف ذاتی آن است که مقتضای خود ذات باشد (حلبی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۳)؛ زیرا در غیر این صورت مستلزم محل اعراض قرار گرفتن ذات حق خواهد شد

و این محال است (ابن محمد شرفی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۲۷).

دغدغه‌ای که موجب تأکید قائلان این نظریه بر عینیت می‌شود، حفظ یکتایی خداوند در اتصاف به صفات ذاتی است؛ چراکه اگر هر یک از این اوصاف مصداق و مابازای جداگانه‌ای داشته باشند در این صورت یا باید مصادیق آنها در داخل ذات الهی فرض شوند، که مستلزم ترکیب در ذات حق خواهد شد، یا خارج از ذات فرض شوند که این خود دو حالت دارد: یا این مصادیق خارج از ذات، واجب الوجودند که مستلزم تعدد ذات واجب و شرک می‌شود یا ممکن الوجودند که مستلزم فاقدیت ذات حق نسبت به این صفات خواهد شد و برای واجدیت باید آنها را بیافریند و سپس به آنها متصف شود؛ به این معنا که ذات فاقد مثلاً حیات، موجودی را به نام «حیات» بیافریند و با آن دارای حیات شود. درحالی‌که چنین چیزی محال، (فیض کاشانی، ۱۴۲۵ق، ص ۵۲ و ۵۳؛ احمدی، ۱۳۹۴ش، ص ۷۹ و ۸۰) و از جهتی موجب تسلسل است (ابن محمد، قاسم، بی‌تا، ص ۳۷ و ۳۸)؛ به تعبیر دیگر اگر خداوند دارای اوصاف زائد بر ذات باشد به شهادت ادله عقلی، نقلی و سمعی مستلزم حال یا محلول واقع شدن ذات حق (ابن محمد شرفی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۵۸)، نیازمندی و واجب الوجود نبودن ذات حق است و در چنین حالتی معلول می‌شوند و ذات واجب نمی‌تواند علت آنها گردد؛ زیرا محال است ذات حق هم فاعل و هم قابل صفات باشد (ابراهیم بن نوبخت، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳؛ علامه حلی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۰۰؛ ابن سینا، بی‌تا، ص ۲۴۶ و ۲۴۷؛ آملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۵). از سوی دیگر اگر صفات عین ذات حق نباشد موجب تکثر در ذات می‌شود و از آنجا که این کثرت بر اساس اقتضاهای متعدد شکل می‌گیرد موجب تعدد در مقتضا (صفات) خواهد شد و این با توحید منافات دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ص ۳۰۶). علاوه بر آن، فرض اینکه صفات زائد بر ذات لکن مستند به معانی قدیم باشند هم مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا اشتراک در اخص صفات، یعنی قدیم بودن، مستلزم اشتراک در سایر صفات خواهد شد و نتیجه آن مثل و مانند هم شدن صفات نفس می‌شود (سید مرتضی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۰).

بنابراین براساس نظریه عینیت باید گفت ذات حق به گونه‌ای است که تمام آثار کمالات ذاتاً بر آن مترتب می‌شود و خداوند از جهت ذاتش مبدأ انتزاع آن صفات از ذات

است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۸۳)؛ به تعبیر دیگر صفات حقیقیه در خداوند عین ذات اویند و مابازای مستقل در خارج ندارند و تنها مابازای آن در خارج خود ذات حق است تا موجب تکثر در ذات، تعدد قدما و واجب الوجود پیش نیاید (نراقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۴۶).

تفاسیر مختلف از عینیت

در مسئله عینیت صفات با ذات سه تفسیر به طور جدی میان فلاسفه، متکلمان و عرفا مطرح است (ر.ک: احمدوند، ۱۳۸۹ش، ص ۴۷۴-۵۰۲؛ توازیانی، ۱۳۸۸ش، ص ۸۳؛ بنیانی، ۱۳۹۹ش، ص ۹۱؛ ابن محمد، ۱۴۲۲ق، ص ۵۲). تفسیر مشهور، وحدت مصداقی و تغایر مفهومی است (جمیل حمود، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۱) که قائلان به این نظریه معتقدند هر یک از الفاظ علم و قدرت و... معنایی غیر از سایر الفاظ دارند و اعتقاد به ترادف آنها موجب بی فایده بودن اطلاق هر یک از آنها بر ذات حق خواهد شد؛ به همین دلیل این صفات از حیث وجود و ذات متحد، و از حیث مفهوم تغایر دارند (حسن زاده آملی، ۱۳۶۹ش، ج ۳، ص ۵۵۳). اما در این تفسیر، با توجه به اینکه قائلان آن درباره ذات حق به حقیقتی بسیط معتقدند، این پرسش مطرح می شود که چگونه این معانی متعدد به هنگام صدقشان بر واجب، موجب کثرت در مقام ذات نمی شوند!

ملاصدرا در جواب این پرسش می گوید همه صفات حقیقیه (کمالی ذاتی) را باید به صفت «وجوب وجود» برگرداند (شیرازی، ۱۳۶۸ش، ج ۶، ص ۱۱۹)؛ زیرا در این صورت ذات حق تنها یک صفت ذاتی خواهد داشت نه صفات متعدد که مستلزم کثرت حیثیات در مقام ذات شوند (ر.ک: خادمی، ۱۳۹۹ش، ص ۹۲-۹۴). همچنین قائلان به این تفسیر عبارت مشترکی در این زمینه دارند که نفی هرگونه تکثر و ترکیب را نتیجه می دهد که بر اساس آن ذات حق همه اش وجود، وجوب، قدرت و علم است؛ نه اینکه بخشی از او علم و بخشی دیگر قدرت باشد تا موجب تکثر در صفات حقیقی و ذات حق شود (شیرازی، ۱۳۶۶ش، ج ۳، ص ۵۱؛ آشتیانی، ۱۳۷۷ش، ص ۸۳؛ نراقی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۴۸؛ زنوزی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۵۱).

تفسیر دوم مربوط به ابن سیناست که در رابطه ذات و صفات حق، معتقد به وحدت مصداقی و مفهومی است و بر همین اساس می‌گوید: «اراده واجب الوجود با علم او نه مغایرت ذاتی دارد و نه مغایرت مفهومی و همان طور که بیان کردیم علمی که عین ذات حق است، همان علم، عین اراده حق نیز می‌باشد» (ابن سینا، ۱۳۷۹ ش، ص ۶۰۱؛ همو، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۹۴). او در جای دیگر مفاهیمی مانند حیات، علم، قدرت، جود و اراده را در مورد ذات حق، مفهوم واحد معرفی می‌کند (همو، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۱؛ جهامی، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۲۸۲) که مخالفت و تغایری میان آنها نیست (ابن سینا، ۱۳۷۹ ش، ص ۶۰۰). به نظر می‌رسد قائلان به این تفسیر معتقدند قول به بساطت واجب و مبرا بودن از هرگونه ترکیب و حیثیات با قول به انتزاع مفاهیم متعدد از ذاتی که از هر جهت واحد است، نوعی تناقض را به دنبال خواهد داشت که برای رهایی از آن فقط باید قائل به وحدت مصداقی و مفهومی شد (ر.ک: ذبیحی، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۸-۴۰).

تفسیر سوم دیدگاه عرفاست که از منظر آنان مراتب دیگری قبل از ظهور کثرت در مقام خلق، وجود دارد. مرتبه غیب الغیوبی که مقام ذات احدیت است و از هرگونه اسم، رسم، تعین، وصف و قیدی پیراسته است و لذا از نظر عرفا عینیت در این مقام معنا ندارد؛ زیرا اساساً در جایی صحبت از رابطه بین ذات و صفات می‌شود که صفاتی در کار باشد و حال آنکه در مقام ذات احدیت هیچ چیز متصور نیست (کاشانی، ۱۳۷۰ ش، ص ۴؛ قونوی، ۱۳۶۲ ش، ص ۳۳ و ۶۹ و ۷۸؛ سبزواری، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۵۷ و ۲۲۱).

عرفا نیز مانند نظر مشهور به رابطه عینیت با تفسیر اتحاد مصداقی و تغایر مفهومی باور دارند و معتقدند که کثرت در مفاهیم اعتباری است و در خارج تحقیقی ندارد؛ زیرا در خارج چیزی غیر از ذات واحد حق وجود ندارد و خداوند متعال وجودی است که در عین وحدت دارای ظهور و بطون است و در مرتبه‌ای غیب محض، و در مرتبه‌ای دارای ظهور صفات است. اما نقطه اختلاف آنان در این است که عرفا رابطه عینیت را به مرتبه دوم، یعنی واحدیت که همه کمالات ذاتی در مرتبه برای ذات حق به نحو وحدانی و بدون هیچ کثرت و ترکیبی جمع‌اند مقید می‌دانند (آملی، ۱۳۶۸ ش، ص ۶۵۷؛ قونوی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۶۵؛ حسینی تهرانی، ۱۴۲۷ ق، ص ۶۰).

زیدیان و اثنا عشریه مدافعان نظریه عینیت

با مراجعه به کتب کلامی شیعیان زیدی و دوازده امامی می توان به روشنی اعتقاد به عینیت را مشاهده کرد. قاسم بن محمد زیدی، بعد از بیان اعتقاد جمهور ائمه زیدی مبنی بر عینیت صفات با ذات، به دفاع از این نظریه پرداخته، می نویسد:

اگر قائل به زیادت شویم از سه حال خارج نیست: یا باید این صفات را موجود، یا معدوم یا نه موجود و نه معدوم تصور کنیم. صورت سوم باطل است؛ زیرا حالت سومی که واسطه بین وجود و عدم باشد قابل تصور نیست. صورت دوم نیز باطل است؛ زیرا معدوم بودن صفات، که از جمله آنها صفت وجودیت است، مستلزم معدوم بودن ذات حق خواهد شد و لذا تنها صورت صحیح، موجود بودن صفات است که خود از سه حال خارج نیست: یا این صفات موجود قدیم، یا محدث یا نه قدیم و نه محدث اند. صورت سوم باطل است؛ زیرا حالت سومی که واسطه بین حدوث و قدم باشد قابل تصور نیست. صورت دوم نیز باطل است؛ زیرا مستلزم حادث بودن ذات حق خواهد شد و لذا تنها صورتی که باقی می ماند صورت اول است که اگر قائل به زیادت باشیم مستلزم تعدد قدما می شود و این محال و باطل است (ابن محمد، قاسم، بی تا، ص ۳۹-۴۱).

احمد بن حسن رصاص نیز بعد از برشمردن صفات ایجابی خداوند و بیان اینکه خداوند این صفات را در ذات خود دارد و برای متصف شدن به آنها نیازی به فاعل یا آنچه این صفات را برای او ثابت کند ندارد، در دفاع از نظریه عینیت می نویسد:

اگر خداوند در ذات خویش واجد این صفات نباشد به فاعل یا آنچه موجب اثبات این صفات شود، محتاج خواهد بود؛ همان طور که درباره ما چنین است... بنابراین نمی تواند در اثبات این صفات یا آنچه موجب این صفات می شود، محتاج فاعل دیگر باشد و نمی توان فاعل این صفات را ازلی دانست؛ زیرا در ازلی بودن مشابه ذات حق می شود. درحالی که خداوند بی مانند است. بنابراین ثابت می شود که خداوند این صفات را در ذات خود دارد (رصاص، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰ و ۱۱).

احمد بن یحیی زیدی نیز بر عینیت صفات با ذات تأکید دارد و می نویسد: «یستحق صفاته لذاته لالمعان» (ابن یحیی المرتضی، ۱۴۲۲، ص ۵۴).

در آثار مشهور شیعیان دوازده امامی نیز همین نظریه عینیت به چشم می خورد. خواجه نصیرالدین طوسی بعد از نفی نظریه زیادت و بیان اینکه حقیقت خداوند صرف



وجود است، بر این نکته تأکید دارد که صفات او اعتباری غیر از وجود او نیست. آیت الله سبحانی در دفاع از نظریه عینیت، در تعلیقه‌ای بر همین بیان خواجه، استدلالی را مبنی بر نفی ترکیب و زیادت ذکر می‌کند (طوسی، بی تا، ص ۶۳؛ ر.ک: نعمانی فرحات، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۰).

ملا مهدی نراقی نیز در دفاع از نظریه عینیت و نفی زیادت معتقد است صفات حقیقیه در خداوند متعال عین ذات اوست و در خارج مابازای مستقل ندارد و ذات حق مصداق آنهاست؛ زیرا در غیر این صورت در ذات واجب ترکیب راه می‌یابد و ترکیب هم ملازم با امکان است که با وجوب وجود منافات دارد (نراقی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۴۶). پیش از این مستندات دیگر بزرگان دوازده امامی، که طرفدار نظریه عینیت صفات با ذات‌اند، ذکر شد.

نظریه غیریت و قائلین آن

در آثار توحیدی اصحاب حدیث، سلفیان، ماتریدیان و اشاعره می‌توان تأکید بر قائمیت و کلید واژه «قائمة بذاته» را فراوان دید، اما با نگاهی دقیق‌تر اختلاف آنان در تفسیر از قائمیت خودش را نشان می‌دهد. تفسیر اول تعبیر به زیادت و غیریت صفات با ذات است که قائلان به آن اهل حدیث و سلفیان هستند؛ برای مثال بیهقی در بیان دیدگاه سلف و اصحاب حدیث نسبت به صفات ذاتی پروردگار می‌گوید:

وقتی خداوند را با کلماتی مانند حی، عالم، قادر، مرید، سمیع، بصیر، متکلم و باقی می‌خوانیم، این دلالت دارد بر زیادت اوصافی مانند حیات، علم، قدرت، اراده، سمع، بصر، کلام و بقاء، بر ذاتی که این اوصاف قائم به آن هستند (بیهقی، الاعتقاد والهدایة إلى سبیل الرشاد، ص ۷۱).

بیهقی در شرح حدیثی که در بردارنده اوصاف حق تعالی است می‌نویسد:

وقتی ثابت شد که خداوند موجود و متصف به صفت حی است، در این صورت باید گفت او متصف به صفت حیات، که زائد بر ذات است، می‌باشد؛ زیرا هر اسمی اثباتش مشتمل بر اثبات صفتی است که این اسم دلالت بر آن دارد و اگر اسمای الهی از صفات او حکایت نمی‌کردند، خداوند در اسمای خود فقط به آنهایی که از وجود او حکایت می‌کنند اکتفا می‌کرد (غامدی، البیهقی و موقفه من الالهیات، ص ۱۹۸).



او همچنین در ادامه بابی را مبنی بر زیادت و قائمیت صفات بر ذات می آورد و ذیل آن اخبار و روایاتی را که به ذکر صفات ذاتی حق پرداخته است، برمی شمارد (بیهقی، الاعتقاد و الهدایة إلى سبیل الرشاد، ص ۸۰). طوفی نیز در توضیح صفت علم بعد از نقل اعتقاد معتزله مبنی بر اینکه صفت علم عین ذات خداوند است نه صفتی زائد بر آن می گوید: «صفت علم، صفتی قائم به ذات پروردگار و زائد بر مفهوم ذات است» (طوفی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۴۸).

آنان معتقدند میان دو تعبیر «الصفات غیر الذات» و «الصفات غیر الله» فرق است؛ زیرا صفات ذاتی در مسمای لفظ «ذات» داخل نیست و بر همین اساس اگر گفته شود «صفات، زائد بر ذات اند»، این گزاره، گزاره صحیحی خواهد بود؛ چون این صفات زائد بر ذات مجردی هستند که برای خداوند ثابت می کنند (ابن عربی، الامد الاقصى فی شرح اسماء الله الحسنى و صفاته، ۲۱۴)، درحالی که در مسمای لفظ جلاله «الله» صفات ذات داخل اند و بنابراین گزاره «صفات، زائد بر الله اند» صحیح نیست؛ زیرا اسم الله مشتمل بر ذات مجرد از صفات نیست و لذا نباید گفته شود «الله و علمه، الله و قدرته، الله و نوره» (ابن تیمیه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۲۷؛ الجواب الصحیح لمن بدل دین المسيح ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۷؛ ابن ابی العز، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۹۹). بر اساس دیدگاه سلفیان، از لفظ «ذات» مغایرت صفات و در نتیجه زیادت بر ذات فهمیده می شود (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۹).

ابن تیمیه بعد از بیان اعتقاد معتزله و فلاسفه مبنی بر اثبات ذات مجرد و نفی هرگونه صفتی از ذات پروردگار می گوید: «اینکه گفته می شود صفات زائد بر ذات است در حقیقت در برابر قول کسانی است که صرفاً ذات مجرد را ثابت می دانند؛ درحالی که ذات خداوند ذات موصوف به صفات زائد و ملازم با ذات است» (ابن تیمیه، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۲۷؛ همو، ۱۴۳۹ق، ص ۶۶).

اشاعره و ماتریدیه مدافعان نظریه قائمیت

اگر چه تعبیر به زیادت، مانند تعبیر به قائمیت، در بین کتاب های اشعریان و ماتریدیان (غزالی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۵؛ رازی، الاربعین فی اصول الدین، ص ۱۲۰؛ همو، شرح

اسماء الحسنی، ۳۵؛ همو، المحصل، ص ۴۲۱؛ آمدی، بی تا، ص ۳۸؛ ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۶؛ نسفی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۰؛ غزنوی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۰۲؛ علامه البیاضی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۰۲؛ قاری، ۱۴۱۹ق، ص ۸۹) نیز دیده می شود، با مروری بر توضیح عالمان اشعری و ماتریدی از رابطه ذات با صفات، تنها تصویر صحیح از نظریه آنان نفی غیریت و عینیت است که از آن تعبیر به قائمیت می کنند (اشعری، ۱۴۰۰ق، ص ۱۶۹؛ العمرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹۹؛ آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۵؛ ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۸)؛ به همین دلیل بعضی از نویسندگان معاصر معتقدند اشعری درباره رابطه ذات و صفات به قول ابن کلاب اعتماد کرده و همانند او نه صفات را عین، و نه غیر ذات می دانسته است (الکردی، علاقة صفات الله تعالی بذاته، ص ۱۲۲؛ ابن صالح، موقف ابن تیمیه من الاشاعره، ص ۱۰۹۲).

ابومنصور ماتریدی نیز با تصریح بر اینکه در رابطه ذات و صفات چیزی ورای ذات نیست، عینیت را نیز نفی کرده و در عین حال معتقد است هیچ گونه انفکاک در خارج میان ذات و صفات وجود ندارد (ماتریدی، بی تا، ص ۵۵؛ علامه البیاضی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۰۲).

به طور کلی در نگاه اشاعره صفات خداوند به سه دسته تقسیم می شود: دسته اول صفاتی است که عین ذات حق است، مانند صفت وجود؛ دسته دوم صفاتی است که غیر از ذات اند، مانند صفات افعالی خداوند (خالقیت، رازقیت و...) و دسته سوم (محل نزاع) صفاتی است که نه عین ذات و نه غیر آن هستند (آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۵).

آمدی و دیگر اشاعره درباره دسته سوم و رابطه آن با ذات پروردگار معتقدند ذات و صفات کمال مصداقاً و مفهوماً حقایق مختلفی هستند که هم باید غیریت میان آنها نفی شود، زیرا غیریت مستلزم مفارقت (مفارقت زمانی، مکانی و...) صفات با ذات است [درحالی که هرگونه مفارقت میان ذات و صفات نفسانی ذاتی ممتنع است] و هم باید عینیت میان آنها نفی شود، زیرا عینیت مستلزم آن است که با درک یک صفت، ذات و سایر صفات نیز درک شود [درحالی که درک هر صفت، درکی جزئی است] (آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۵؛ ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۹۸؛ شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۳۸۸).

گرچه میان کتب ماتریدیان این تقسیم بندی دیده نمی شود، اما در باب صفات ذاتی

همچون اشاعره علاوه بر نفی عینیت که آن را امری بدیهی و مستلزم اثبات صفات برای ذات حق می‌دانند، بر نفی غیریت نیز تأکید دارند و علاوه بر اعتقاد به ازلی بودن صفات ذات، معتقدند هرگونه غیریت، مفارقت و انفصال ذات با صفات باید نفی شود تا به تعدد قدما و کفر منجر نشود (غزنوی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۰۲؛ قاری، ۱۹۹۵م، ص ۷۳). از همین رو اشاعره در جواب اشکال معتزلیان مبنی بر اینکه اعتقاد به قائمیت صفات بر ذات مستلزم خروج از واجب الوجود دانستن خداوند است، می‌گویند:

اگر مقصود شما از واجب الوجود نفی هرگونه صفت ذاتی و خارجی است، این حرف شما مصادره به مطلوب است و اگر مقصودتان نفی علت و افتقار به خارج از ذات است، حرف درستی است؛ زیرا ما اشاعره نیز معتقدیم خداوند دارای صفاتی ذاتی است، اما برای اتصافش به این صفات نیازی به امر خارج از ذات ندارد؛ زیرا هر کدام از این صفات واجب بالذات و متقوم بنفسه هستند (آمدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰ و ۴۱).

ماتریدیان نیز در جواب این اشکال که نفی غیریت و عینیت چون موجب تناقض می‌شود محال است، می‌گویند در صورتی که صفت کمال از خود ذات ناشی شود و دائم به دوام ذات باشد، نه تنها محال نخواهد بود، بلکه غایت کمال است (علامه البیاضی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۰۵).

بنابراین اشاعره و ماتریدیان برای رفع محذوراتی مانند نفی صفات (که آن را نتیجه عینیت)، و ترکب و تعدد قدما (که آن را نتیجه غیریت می‌دانند)، به نفی عینیت و غیریت پرداخته و از این اشکال که جمله «لا هی هو و لا هی غیره» صریح در تناقض است جواب داده و گفته‌اند با نفی عینیت (لا هی هو) در حقیقت معتقدیم خداوند دارای صفات است و با نفی غیریت (لا هی غیره) در حقیقت معتقد به ذات قدیم واحدی هستیم که ملازم با صفات ذات است (زرکشی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۶۷۵؛ ذهبی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۶۴)؛ به همین دلیل غزالی پس از آنکه اشاعره را دارای رویکرد اثبات صفاتی می‌داند، می‌نویسد:

صفات خداوند نه عین اوست و نه غیر او. خدا عالم، قادر و متکلم است به علم، قدرت و کلامی که غیر ذات او هستند؛ لکن در عین حال به طور کلی منقطع از ذات نیستند، بلکه به وجهی از وجوه متصل به ذات خداوند و غیر منفک از اویند (غزالی، بی‌تا، ص ۲۵).

اشاعره و ماتریدیان علاوه بر اثبات نظریه قائمیت اشکالات جدی را نیز متوجه دیدگاه عینیت و نفی صفات دانسته‌اند؛ اشکالاتی مانند لغویت و بی‌فایده بودن اطلاق مفاهیم صفات بر ذات حق (ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۶؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۷۴)، نفی مبادی صفات که مستلزم نفی صفات و در نتیجه اتصاف به اضداد صفات کمال و نقصان ذات حق (نسفی، ۲۰۱۱م، ص ۶۳ و ۶۴)، تعلق قدرت خداوند بر مقدرات محال به دلیل اطلاق معلوم و مقدر بر یکدیگر (بغدادی، اصول الدین، ص ۱۱۴؛ تلمسانی، ۱۴۳۱ق، ص ۳۳۳)، دوئیت غیر قابل انکار نسبت به حقیقت موصوف و صفت و... (اشعری، ۱۳۹۷ق، ص ۱۴۴؛ اشعری، ۱۹۵۵م، ص ۳۰؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۷۴؛ شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۹۵؛ ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۷؛ غزالی، ۱۴۲۴ق، ص ۷۴؛ رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۳۳ و ۲۳۴).

ادله مدافعان نظریه قائمیت

به طور کلی ادله‌ای که اشاعره و ماتریدیان بر قائمیت صفات بر ذات آورده‌اند، یا بر پایه نفی دیدگاه عینیت بنا شده است [مانند استدلال‌های فخر رازی که به بسیاری از آنها در نقد نظریه عینیت اشاره شد، بنابراین در اینجا از تکرار آنها می‌پرهیزیم] یا بر پایه اثبات نظریه قائمیت بنا شده است که در اینجا به تفصیل و در دو بخش ادله عقلی و نقلی به بیان آنها خواهیم پرداخت.

در میان ادله عقلی می‌توان به قیاس غایب بر شاهد (جوینی، الارشاد الی قواطع الادة فی اصول الاعتقاد، ص ۸۳؛ ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۵؛ سفارینی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۱۴۶) حقیقت غیر قابل انکار دوئیت صفت و موصوف (غزالی، ۱۴۲۴ق، ص ۷۵؛ نسفی، ۲۰۱۱م، ص ۶۶) که به تعبیر غزالی باید گفت لفظ «عالم» از خصوصیتی حکایت می‌کند که لفظ موجود از آن حکایت نمی‌کند و این یعنی بین صفت و موصوف دوئیت و غیریت است (غزالی، ۱۴۲۴ق، ص ۷۶)، تفکر در آثار آفاقی و انفسی که انتزاع صفات از این آثار، فهماننده عدم اتحاد و عینیت میان موصوف و صفت است (قاری، ۱۴۱۹ق، ص ۶۳)، از امور نسبی و اضافی بودن صفات که فخر رازی معتقد است صفاتی مانند علم و قدرت از امور نسبی و اضافی به شمار

می‌روند و از آنجا که امور نسبی و اضافات قائم به ذات غیراند، اما ذات حق قائم بنفسه است، موجب تغایر میان صفت و موصوف می‌شود (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۲۶).
ماتریدیان نیز معتقدند اگر در رابطه ذات با صفات غیریت نفی نشود، مستلزم عروض صفات بر ذات حق خواهد شد و این در حالی است که عروض صفت بر ذات حق محال است (قاری، ۱۴۱۹ق، ص ۶۳).

دسته دوم از ادله اشاعره و ماتریدیان بر نظریه قائمیت آیاتی مانند «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ» (نساء: ۱۶۶)، «وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ» (فاطر: ۱۱) و «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (ذاریات: ۵۸) است که معتقدند در این آیات برای علم خداوند علیت و سببیتی جدای از ذات حق لحاظ شده است و این ظهور در نفی عینیت صفت علم نسبت به ذات دارد (اشعری، ۱۹۵۵م، ص ۳۰؛ نسفی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰؛ علامه البیاضی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۰۲)؛ به همین دلیل اشاعره بر اساس آیات فوق معتقد به غیریت و قائمیت صفات نسبت به ذات حق‌اند (اشعری، ۱۳۹۷ق، ص ۱۸؛ ابن خزیمه، کتاب التوحید و اثبات صفات الرب، ص ۲۲).

غزنوی ماتریدی ذیل آیات فوق بعد از اشاره به رویکرد اثبات صفاتی که از آیات استفاده می‌شود بر این نکته تأکید دارد که قول به حی، عالم و قادر بودن خداوند بدون اثبات حیات، علم و قدرت برای او محال است؛ زیرا این صفات مشتق از معانی هستند که اطلاقیان بر ذات در صورتی صحیح خواهد بود که در ذات حق مأخذ اشتقاق داشته باشند (غزنوی، ۲۰۰۹م، ص ۵۹).

منتقدان نظریه‌های غیریت و قائمیت

انتقاد مخالفان به نظریه زیادت در دو بخش مشاهده می‌شود: بخش اول نقدهایی است که به ادله اثبات این نظریه وارد است تا آنجا که حتی خود اشاعره نیز به نقد این ادله پرداخته‌اند. شاید به دلیل قانع کننده نبودن این دلایل بوده که فخر رازی نیز به نظریه معتزله (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۷۰) و امامیه (رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۰) گرایش نشان داده است.

یکی از نقادان اشعری قاضی ایجی است که به نقد دلیل قیاس غائب بر شاهد

پرداخته و آن را به دلیل تفاوت صفات خداوند با انسان ضعیف دانسته است. وی درباره این دلیل که اگر صفات عین ذات باشند باید عین یکدیگر هم باشند، درحالی که چنین نیست، معتقد است: این دلیل تنها مغایرت مفهومی را ثابت می کند؛ درحالی که محل نزاع زیادت و عینیت مصداقی صفات با ذات است (ایچی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۵-۴۹؛ الصلابی، من عقیده المسلمین فی صفات رب العالمین، ص ۷۵).

بخش دوم انتقادهایی است که مخالفان به اصل نظریه زیادت وارد دانسته اند که عبارتند از:

- ذات واجب مستجمع تمام کمالات است، درحالی که بر اساس نظریه اثبات صفات و نفی عینیت، لازم می آید ذات حق در مرتبه ذات از این صفات خالی باشد و این به معنای ممتنع یا ممکن بودن این صفات برای ذات خواهد بود که هر دو صورت محال است.
- اعتقاد به غیریت و قائمیت صفات بر ذات مستلزم نقص است؛ زیرا در این صورت کمالات حق متوقف بر امور زائد بر ذات خواهد بود و این امر باطلی است. از سوی دیگر زائد بودن صفات بر ذات یعنی عرضی بودن آنها و این معنایش این است که خداوند برای متصف شدن به اعراض نیازمند علت است.
- زیادت صفات بر ذات مستلزم مجبوریت پروردگار در فاعلیتش می شود؛ زیرا در صورت زیادت، صفات باید معلول ذاتی باشد که برای مختار بودن در فعلش نیاز به صفت حیات، علم، قدرت و اراده باشد و حال آنکه بر اساس نظریه زیادت، ذات خالی از این صفات است.
- از دیگر نتایج باطل نظریه زیادت صفات قدیم، تعدد قدماست که از نظر تمام متکلمان، حتی خود اشاعره، قدیم مساوی با واجب، و اعتقاد به تعدد واجب محال است.
- نظریه زیادت صفات بر ذات علاوه بر اینکه مستلزم فاعل و قابل بودن ذات است، مستلزم شرافت ذات بر خودش و معلول بودن او برای خودش نیز می باشد (سبزواری، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۳؛ نراقی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۸).

نفی صفات (نیابت) و نقد رویکرد اثباتی

رویکرد سلبی نسبت به صفات ذاتی خداوند در حوزه وجودشناسی، یکی از گرایش‌های الهیاتی است که بر اساس امتناع معرفت به ذاتِ حق یا فوق هستی دانستن خداوند شکل گرفته است. از برجسته‌ترین چهره‌های آن می‌توان به فلوطین اشاره کرد. این تفکر میان بعضی از ادیان و مذاهب اسلامی نیز طرفدارانی دارد. اسماعیلیان (کرمانی، ۱۹۸۳م، ص ۱۳۱-۱۳۴؛ ابن ولید، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷؛ ابن محمد، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳؛ ر.ک: ذهبی، ۱۳۹۸ش، ص ۲۸۱-۳۰۳؛ ر.ک: برنجکار، ۱۳۹۱ش، ص ۶۱) و بعضی از متفکران امامیه (تبریزی، الاصل الاصل، ص ۲۹؛ قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۰ و ۸۱) با تأکید بر تباین میان خداوند و مخلوقات و نفی هرگونه سنخیت (اشتراک لفظی) به شدت با اتصاف خداوند به صفات ذاتی مخالفند. بر همین اساس قاضی سعید قمی در قالب یک قیاس استثنایی می‌نویسد:

اگر خداوند در صفات خود با مخلوقات اشتراک و سنخیت داشته باشد، بر اساس برهان، اشتراک در عارض مستلزم اشتراک در ذات است. لذا لازم می‌آید خداوند در ذات خود با مخلوقات مشترک باشد، اما نتیجه باطل است؛ زیرا مستلزم مخلوق بودن خداوند خواهد شد. پس مقدم نیز که اشتراک و سنخیت خداوند با مخلوقات در صفات باشد نیز باطل خواهد بود (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۱).

اما به طور کلی میان قائلان به رویکرد سلب صفات، دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول عبارت است از نفی مطلق که در آن علاوه بر نفی هرگونه صفت از ذات حق و تأکید بر نفی وجود، موجودیت و شیئیت از ذات حق، خداوند فوق هستی معرفی می‌شود. اسماعیلیان با پذیرفتن این دیدگاه معتقدند نسبت دادن ایسیت (ایس = وجود) به خداوند محال است؛ زیرا وجود یا جوهر است یا عرض و چنانچه جوهر باشد یا جسم است و یا لاجسم؛ اگر جسم باشد در این صورت به وجودی متقدم بر خود نیاز دارد تا بر او تکیه کند و حال آنکه خداوند منزله است از قیام به غیر و اگر لاجسم باشد یا قائم بالقوه است یا قائم بالفعل؛ اگر قائم بالقوه باشد در این صورت برای بالفعل شدن نیاز به غیر دارد و اگر بالفعل باشد یا خود فاعل ذات خویش است و نیاز به غیر ندارد یا فاعل فی غیره است. صورت دوم مستلزم نقص است و برای کامل شدن به غیر نیاز دارد، اما

صورت اول نیز منتفی است؛ زیرا مستلزم آن است که خداوند مفعول ذات فاعلی خودش شود و این محال است. بنابراین جوهر بودن ذات حق پذیرفته نیست. عرض بودن نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا هر عرضی نیاز به وجود جوهری متقدم بر خود دارد (کرمانی، ۱۹۸۳م، ص ۱۳۱ و ۱۳۲). بر همین اساس اسماعیلیان معتقدند شایسته نیست خداوند را «ایس» بنامیم؛ زیرا لازم می‌آید و رای خداوند متعال وجودی باشد که به او هستی بخشد. اما در دیدگاه دوم، که متعلق به بعضی از متفکران امامیه است گرچه به شدت از ذات حق نفی صفات ثبوتی صورت می‌گیرد، خداوند را وجودی متباین از سایر موجودات و سنخی متفاوت از سنخ وجودی مخلوقات معرفی می‌کند (همان).

قائلان به این دیدگاه، که از آن به نظریه نیابت نیز یاد می‌شود، معتقدند ذات حق عاری از هرگونه صفت علم، قدرت و... است و تنها نایب و جانشین این صفات است؛ به این معنا که عملکردها و نتایج صفات را ذات حق داراست. لذا قاضی سعید قمی ذیل روایتی که حضرت فرمودند «العلم ذاته ولا معلوم... والقدرة ذاته ولا مقدور» می‌نویسد:

معنای این عبارت این است که ذات حق نیابت از این صفات می‌کند و جای این صفات می‌نشیند، نه آنکه ذات او مصداقی برای مفاهیم این صفات باشد. بنابراین هیچ‌گونه مفهوم و صفت ذاتی و غیر ذاتی غیر از ذات محض احدیت وجود ندارد؛ زیرا این با مقام احدیت او - که بدون اسم، رسم، نعت و صفت است - در تناقض است (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۱؛ آشتیانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۳).

قائلان به این دیدگاه با طرح ادله و مبانی، مانند تباین بین خالق و مخلوق (قمی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۱)، محدودیت معرفت عقلی و وهمی در شناخت خداوند (همان، ج ۱، ص ۱۲۶)، بی‌حد و مثل بودن ذات حق (همان، ج ۱، ص ۹۰)، عدم دستیابی به معرفت در مرتبه احدیت (همان، ج ۱، ص ۱۷۸)، توصیف ناپذیری خداوند (همان، ج ۱، ص ۲۹۹) و اطلاق‌گیری از روایات نفی‌کننده صفات از خداوند (همان، ج ۱، ص ۱۱۵) بر نفی هرگونه صفت از ذات حق تأکید کرده و اشکالاتی عقلی مانند جنبه احاطی و تحدیدی بودن صفت (همان، ج ۱، ص ۲۹۹)، قیام به غیر داشتن صفت (همان، ج ۱، ص ۱۲۶)، تشبیه خالق به مخلوق (همان، ج ۱، ص ۱۷۹)، فاعل و قابل بودن، تعدد جهات و تکثر، مسبوق نبودن صدور این جهات از خدا به آنچه ایجاد متوقف بر آن است



از قبیل علم و قدرت و...، تقدم عرض بر جوهر و مبدأ صدور واقع شدن اعراض برای جوهر، متاخر بودن وجود صفات از رتبه ذات و عدم اتصاف خداوند به آنها در مرتبه ذات و تعدد صفات در صورت واجب بودن آنها و زوال آنها در صورت ممکن بودن آنها (همان، ج ۳، ص ۱۱۳) و اشکالاتی نقلی بر اساس روایاتی مانند «کمال توحیده نفی الصفات عنه» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۰) و مانند «فلیست له صفة تنال ولا حد تضرب له الامثال» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۴۲) که با صراحت و به طور مطلق، هرگونه صفتی را برای خداوند متعال انکار می کند (آشتیانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۴۰) را در رد قائلین به نظریه اثبات صفات آورده اند.

قائلان به نظریه نیابت در جواب این اشکال که می گویند این صفات، صفات اقرار هستند نه صفات احاطه؛ یعنی فلسفه وجودی ذکر این صفات در نصوص دینی، آن است که انسان به آنها از آن جهت که در نصوص آمده اقرار و اذعان عقلی داشته باشد؛ بدون هیچ گونه تفتیش و بیان کیفیت (همان، ج ۲، ص ۱۲۵).

مثبتین صفات و نقد رویکرد سلبی

از اشتراکات قائلین به رویکرد اثباتی صفات - اعم از معتقدین به غیریت، قائمیت و عینیت - انتقادات شدید به نظریه نفی صفات است که ابومنصور ماتریدی در نقد آن می گوید: «این افراد برای فرار از تشبیه، به نفی صفات و اسمای الهی پرداخته اند اما ناگزیر به دام تعطیل گرفتار شدند» (ماتریدی، بی تا، ص ۹۵). بعضی از نویسندگان ماتریدی و اشعری در نقد این رویکرد معتقدند ذاتی که مجرد از جمیع صفات است، هیچ وجودی برای او در خارج متصور نخواهد بود (ایجی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۹۶) و این نهایت تعطیل در مباحث توحیدی است (قاری، ۱۹۹۵م، ص ۳۱). آنان معتقدند در صورتی اثبات صفات مستلزم تشبیه خواهد شد که قائل به شباهت میان صفات خالق و مخلوق باشیم؛ درحالی که هیچ یک از سلف و اهل حدیث اعتقاد به شباهت خالق و مخلوق در صفات ندارد (کبیر علال، ۱۴۲۶ق، ص ۲۱۶).

ابن تیمیه نیز با رد ادله دیدگاه نفی صفات به نقد آن می پردازد (ابن تیمیه، ۱۴۳۹ق، ص ۶۲) و ضمن آنکه این نظریه را مورد مذمت سلف و مخالف با کتاب و سنت تمام

انبیا و رسولان می‌داند (همو، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۹۸۴)، یکی از اشکالات آن را وجود ذهنی دانستن خداوند و نفی وجود ذات حق در خارج بیان می‌کند (همو، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۸۶).

اما بیشترین نقدها بر این نظریه از سوی متکلمان شیعه است. اشکال اول آن است که کلام قائلان به نفی صفات بر پایه اشتراک لفظی استوار است؛ درحالی که اکثر کسانی که قائل به عینیت هستند، مفاهیم صفات را مشترک معنوی می‌دانند (شیرازی، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۳۵-۳۷). از اشکالات دیگر این نظریه نزد قائلان به عینیت، خالی بودن ذات حق از هرگونه کمال است؛ درحالی که خداوند فیاض تمام کمالات است (همان). بعضی از متکلمان شیعه معتقدند نفی صفات مستلزم آن است که ذاتی را که عین وجود و فاقد هرگونه نقص و جهت امکان است، عین عدم و محض سلب بدانیم (مظفر، عقائد الامامیه، ص ۴۰). علاوه بر آن باید این نظریه را محصول تخیل این معنا دانست که صفت داشتن شیء همیشه مستلزم زائد بودن وصف بر ذات موصوف است. لذا برای رهایی از دو محذور (یکی تعدد و اثینیت که نتیجه اثبات صفات برای ذات است و دوم به تعطیلی کشاندن ذات که نتیجه نفی صفات است) به نظریه نیابت پناه برده‌اند؛ درحالی که اتصاف موصوف به صفت همیشه مستلزم زیادت نیست تا در مورد ذات خداوند اتصاف ذات به صفت را مستلزم تعدد و اثینیت بدانیم؛ اگرچه مفهوم صفت غیر ذات باشد.

لازم به ذکر است که بعضی از متکلمان اشکالات جدی دیگری نیز مانند مخالفت با نص صریح قرآن و احادیث، خلط میان مرتبه غیب الغیوبی و احدیت ذات، عدم تلازم میان برگرداندن صفات ذاتی به سلب نقیض و نفی آنها از خداوند، لحاظ صفت به همان معنای رایج لغوی و عرفی، تنزیه محض مساوی با محدودیت و نوعی تعطیل و... وارد دانسته‌اند که به دلیل طولانی شدن بحث از ذکر تفصیلی و بیان همه آنها اجتناب می‌کنیم (ر.ک: عابدی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۴۳؛ خادمی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۵).



نتیجه‌گیری

با مطالعه در آثار متکلمان مذاهب اسلامی و تطبیق آرای آنان در مسئله وجودشناختی توحید صفاتی می‌توان دریافت که تمامی دیدگاه‌ها در بیان کیفیت رابطه صفات با ذات به دورویکرد الهیات ایجابی و سلبی ختم می‌شود.

غالب متکلمان با تکیه بر دسته‌ای از نصوص دینی، که خبر از اتصاف ذات حق به صفات کمالی می‌دهد و همچنین فرار از اشکال تعطیل، معتقد به رویکرد اثباتی صفات برای ذات گشته‌اند. در مقابل گروهی از متکلمان نیز با تکیه بر دسته‌ای دیگر از نصوصی دینی، که اتصاف خداوند به هرگونه صفتی را نفی می‌کند و همچنین فرار از اشکال تشبیه و ترکیب، رویکرد سلبی را نسبت به صفات برگزیده‌اند.

بر اساس ادله قوی و اشکالات جدی که از سوی هرکدام از مذاهب برای تقویت نظریه خویش و نقد دیدگاه‌های سایر مذاهب در این نوشتار آورده شد، استفاده می‌شود که اشاعره و ماتریدیان از آنجا که نظریه نفی صفات را مستلزم تعطیلی معارف توحیدی صفات، و نظریه عینیت را مستلزم ترکیب، و غیریت را مستلزم عروض حوادث و عوارض بر ذات حق می‌دانند به نفی هر سه نظریه می‌پردازند و با ابداع نظریه قائمیت علاوه بر اثبات صفات، خود را از محذوراتی مانند ترکیب و محل حوادث و عوارض بودن ذات حق منزّه می‌دانند. در مقابل غالب شیعیان اثناعشری و زیدیه با توجه به اینکه هرگونه نظریه‌ای غیر از عینیت را در رویکرد اثباتی مستلزم دوئیت و غیریت می‌دانند برای فرار از محذوراتی مانند محل حوادث و عوارض واقع شدن خداوند، تعدد قدماء، خلو ذات مستجمع کمالات از صفات کمالی و... معتقد به حقیقت و مصداق واحدی که مستجمع جمیع کمالات است، می‌شوند. اصحاب حدیث و سلفیان با اعتقاد به زیادت و غیریت صفات نسبت به ذات، گرچه جلوی محذوری مثل تعطیل را می‌گیرند، اشکالات فوق را که سایر مذاهب اسلامی متوجه هم می‌کردند یکجا متوجه خودشان می‌کنند. قائلان به نفی صفات، یعنی اسماعیلیه و بعضی از متکلمان شیعه، نیز با تأکید بر اینکه هر نظریه‌ای در چهارچوب رویکرد اثباتی مستلزم تشبیه و ترکیب ذات حق می‌شود، تنها نظریه صحیح در توحید صفاتی را سلب صفات و جانشینی ذات از عملکردها و نتایج صفات می‌دانند و از آن به نظریه نیابت یاد می‌کنند.

منابع

۱. آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۷۰ش)، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲. (۱۳۷۸ش)، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
۳. آشتیانی، میرزاهمدی (۱۳۷۷ش)، اساس التوحید، مصحح: جلال‌الدین آشتیانی، تهران، امیر کبیر، چاپ اول.
۴. آمدی، سیف‌الدین (۱۴۲۳ق)، ابکار الافکار فی اصول الدین، تحقیق: احمد محمد مهدی، قاهره، دار الکتب، چاپ اول.
۵. (بی‌تا)، غایة المرام فی علم الکلام، محقق: حسن محمود عبداللطیف، قاهره، المجلس الاعلی للثنون الاسلامیة، چاپ اول.
۶. آملی، سیدحیدر (۱۳۶۸ش)، نقد النقود فی معرفة الوجود، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
۷. آملی، محمدتقی (بی‌تا)، درر الفوائد تعلیقة علی شرح المنظومة للسبزواری، اسماعیلیان، قم، چاپ اول.
۸. ابراهیم بن نوبخت، ابواسحاق (۱۴۱۳ق)، الیاقوت فی علم الکلام، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول.
۹. ابن ابی‌العز، علی بن علی (۱۴۱۷ق)، شرح العقیلة الطحاویة، محقق: شعیب ارنؤوط و عبدالله بن محسن التركي، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دهم.
۱۰. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۹ق)، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، محقق: ناصر عبدالکریم العقل، بیروت، دار عالم الکتب، چاپ هفتم.
۱۱. (۱۴۲۰ق)، التسعینیة، محقق: محمد بن ابراهیم العجلان، ریاض، مکتبة المعارف، چاپ اول.
۱۲. (۱۴۱۹ق)، الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح، محقق: علی بن حسن و عبدالعزیز بن ابراهیم، ریاض، دار العاصمة، چاپ دوم.
۱۳. (۱۴۲۹ق)، الرد علی الشاذلی فی حزیبه و ما صنفه فی آداب الطریق، محقق: علی بن محمد العمران، مکه، دار عالم الفوائد، چاپ اول.



۱۴. (۱۴۲۵ق)، شرح العقيدة الاصفهانية، تحقيق: محمد بن رياض الاحمد، بيروت، نشر المكتبة العصرية، چاپ اول.
۱۵. (۱۴۰۶ق)، الصفدية، تحقيق: محمد رشاد سالم، قاهره، مكتبة ابن تيميه، چاپ دوم.
۱۶. (بى تا)، مجموعة الرسائل والمسائل لابن تيميه، محقق: رشيد رضا، قاهره، لجنة التراث العربى، چاپ اول.
۱۷. (۱۴۲۶ق)، مجموع الفتاوى، محقق: انور الباز و عامر الجزائر، اسكندرية، دار الوفاء، چاپ سوم.
۱۸. (۱۴۳۹ق)، مسألة فى توحيد الفلاسفة، تحقيق: مبارك بن راشد، دار الفتح للدراسات و النشر، چاپ اول.
۱۹. ابن الحسن التيمى، عبدالرحمن (۱۳۷۷ق)، فتح المجيد شرح كتاب التوحيد، محقق: محمد حامد الفقى، قاهره، مطبعة السنة المحمدية، چاپ هفتم.
۲۰. ابن الحسين حامدى، ابراهيم (۱۴۱۶ق)، كنز الولد، محقق: مصطفى غالب، بيروت، دار الاندلس، چاپ اول.
۲۱. ابن حمزه، عبدالله (۱۴۲۲ق)، مجموع رسائل الامام المنصور بالله، صنعاء، مؤسسة الامام زيد بن على، چاپ اول.
۲۲. ابن خزيمه، ابوبكر (۱۴۱۸ق)، التوحيد و اثبات صفات الرب، تحقيق: عبدالعزيز بن ابراهيم، رياض، دار الرشد، چاپ اول.
۲۳. ابن خليفه التيمى، محمد (۱۴۲۲ق)، مواقف الطوائف من توحيد الاسماء و الصفات، رياض، اضواء السلف، چاپ اول.
۲۴. ابن سليمان، احمد (۱۴۲۴ق)، حقائق المعرفة فى علم الكلام، صنعاء، مؤسسة الامام زيد بن على، چاپ اول.
۲۵. ابن سينا، حسين بن عبدالله (۱۳۷۶ش)، الالهيات من كتاب الشفاء، تحقيق: حسن حسن زاده آملی، قم، دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول.
۲۶. (۱۴۲۱ق)، التعليقات، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، چاپ چهارم.
۲۷. (بى تا)، رسائل ابن سينا، قم، بيدار، چاپ اول.

۲۸. (۱۳۶۳ش)، **المبدأ والمعاد**، تصحيح: عبدالله نوراني، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲۹. (۱۳۷۹ش)، **النجاة**، مصحح: محمد تقی دانش پژوه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳۰. ابن صالح، عبدالرحمن (۱۴۱۵ق)، **موقف ابن تيميه من الاشاعة**، رياض، مكتبة الرشد، چاپ اول.
۳۱. ابن عربي، ابوبكر (۱۴۳۶ق)، **الامد الاقصى في شرح اسماء الله الحسنی و صفاته**، بيروت، المكتبة الكتائبية، چاپ اول.
۳۲. ابن قيم، محمد بن ابوبكر (۱۴۰۸ق)، **الصواعق المرسله في الرد على الجهمية والمعطلة**، محقق: علي بن محمد الدخيل، رياض، دار العاصمة، چاپ اول.
۳۳. ابن محمد، ابراهيم مويدي (۱۴۲۲ق)، **الإصباح على المصباح في معرفة ملك الفتاح**، صنعاء، مؤسسة الامام زيد بن علي.
۳۴. ابن محمد شرفی، احمد (۱۴۱۱ق)، **شرح الاساس الكبير**، صنعاء، دار الحكمة اليمانية، چاپ اول.
۳۵. (۱۴۱۵ق)، **عدة الاكياس في شرح معاني الاساس**، صنعاء، دار الحكمة اليمانية، چاپ اول.
۳۶. ابن محمد، قاسم (بی تا)، **الاساس لعقائد الاكياس**، صعده، مكتبة اهل البيت، چاپ اول.
۳۷. ابن محمد، نعمان (بی تا)، **تأويل الدعائم**، قاهره، دار المعارف، چاپ اول.
۳۸. ابن ميمون، موسى (۱۹۷۲م)، **دلالة الحائرين**، تحقيق: حسين آتای، استامبول، انتشارات دانشگاه آنکارا، چاپ اول.
۳۹. ابن وليد، علي (۱۴۰۳ق)، **تاج العقائد و معدن الفوائد**، بيروت، مؤسسه عز الدين، چاپ دوم.
۴۰. ابن يحيى، ابو عبدالله الحميدان (۱۴۲۴ق)، **مجموع السيد حميدان**، محقق: احمد حمزى و هادى حمزى، صعده، مركز اهل البيت للدراسات الاسلاميه، چاپ اول.
۴۱. ابن يحيى المرتضى، احمد (۱۴۲۲ق)، **مقدمة البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار**، تعليق: محمد محمد تامر، بيروت، منشورات محمد علي بيضون، چاپ اول.
۴۲. احمدوند، معروف علي (۱۳۸۹ش)، **رابطه ذات و صفات الهی**، قم، بوستان كتاب، چاپ



- دوم.
۴۳. احمدی، سعید (۱۳۹۴ش)، «بررسی عینیت صفات واجب تعالی با ذات با بهره‌گیری از حیثیت تفسیری»، فصلنامه علمی پژوهشی قیاسات، سال بیستم، بهار.
۴۴. استرآبادی، محمد جعفر (۱۳۸۲ش)، البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۴۵. اسدآبادی، سیدجمال‌الدین (بی‌تا)، التعليقات علی شرح العقائد العزیدیه، بی‌نا، بی‌جا.
۴۶. اسفراینی، ابوالمظفر (۱۴۰۳ق)، التبصیر فی الدین وتمییز الفرقة الناجیه عن الفرق الهالکین، محقق: کمال یوسف الحوت، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول.
۴۷. اشعری، ابوالحسن (۱۳۹۷ق)، الابانة عن اصول الدیانة، تحقیق: فوکیة حسین محمود، قاهره، دار الانصار، چاپ اول.
۴۸. (۱۹۵۵م)، اللمع فی الرد علی اهل الزيغ والبدع، تحقیق: حموده غرابه، قاهره، مساهمة مصریه، چاپ اول.
۴۹. (۱۴۰۰ق)، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، مصحح: هلموت ریتر، فیسبادن دار فرانز شتایز، چاپ سوم.
۵۰. امینی، عبدالمؤمن (۱۳۹۸ش)، «خدا شناسی تطبیقی در قالب مکتب امامیه و ماتریدییه مقدمه ای در تحکیم وحدت جامعه اسلامی»، فصلنامه گفتمان اندیشه، دوره دوم، شماره سوم، بهار و تابستان.
۵۱. ایجی، عضدالدین (۱۴۱۷ق)، المواقف، تحقیق: عبدالرحمن عمیره، بیروت، دار الجیل، چاپ اول.
۵۲. برنجکار، رضا (۱۳۹۱ش)، «تحلیل و ریشه یابی نظریه قاضی سعید قمی در معناشناسی اسماء و صفات الهی»، فصلنامه فلسفه دین، شماره اول، بهار و تابستان.
۵۳. بغدادی، عبدالقاهر (۲۰۰۳م)، اصول الایمان (اصول الدین)، محقق: ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار الهلال، چاپ اول.
۵۴. بن جبرین، عبدالله، شرح العقیده الطحاویة، درس صوتی مکتوب، <http://www.islamweb.net>.
۵۵. بنیانی، محمد (۱۳۹۹ش)، «تأملی نو در نظریه عینیت و صفات الهی»، فصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، سال هشتم، شماره دوم، بهار و تابستان.

۵۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۱ق)، *الاعتقاد والهدایة الی سبیل الرشاد*، احمد عصام الکاتب، بیروت دار الآفاق الجدیدة، چاپ اول.
۵۷. تبریزی، ملارجعلی (۱۳۸۶ش)، *الاصیل الاصل*، تصحیح: عزیز جوانپور و حسن اکبری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
۵۸. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد*، قم، الشریف الرضی، چاپ اول.
۵۹. تلمسانی، شرف الدین (۱۴۳۱ق)، *شرح معالم اصول الدین*، محقق: نزار حمادی، دار الفتح، چاپ اول، عمان.
۶۰. توازیانی، زهره (۱۳۸۸ش)، «*رویگرد کلامی- فلسفی به مسئله عنینیت صفات و بررسی دیدگاه ملاصدرا و ابن سینا در خصوص آن*»، فصلنامه تأملات فلسفی، سال اول، شماره اول، بهار.
۶۱. توکلی، محمدهادی (۱۳۹۲ش)، «*بررسی تشکیک در مراتب و مظاهر از نگاه علامه طباطبایی*»، فصلنامه حکمت و فلسفه سال نهم، شماره دوم، تابستان.
۶۲. جارالله، زهدی حسن (۱۹۹۰م)، *المعتزلة*، بیروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، چاپ ششم.
۶۳. جمیل حمود، محمد (۱۴۲۱ق)، *الفوائد البهیة فی شرح عقائد الإمامیة*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ دو.
۶۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، *توحید در قرآن*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۶۵. (۱۳۸۹ش)، *رحیق مختوم*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
۶۶. (۱۳۶۸ش)، *شرح حکمت متعالیه*، قم، انتشارات الزهراء، چاپ اول.
۶۷. جوینی، عبدالملک (۱۴۱۶ق)، *الارشاد الی قواطع الادة فی اصول الاعتقاد*، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۶۸. جهامی، جیرار (۱۴۲۵ق)، *موسوعة مصطلحات ابن سینا*، بیروت، مکتبة لبنان ناشرون، چاپ اول.
۶۹. حائری مازندرانی، محمدصالح (۱۳۶۲ش)، *حکمت بوعلی سینا*، مصحح: حسن فضائلی، تهران، علمی، چاپ اول.
۷۰. حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۹ش)، *شرح المنظومة*، تحقیق: مسعود طالبی، تهران، نشر ناب، چاپ اول.

۷۱. حسینی تهرانی، سیدهاشم (۱۳۶۵ش)، *توضیح المراد*، تهران، انتشارات مفید، چاپ سوم.
۷۲. حسینی تهرانی، محمدحسین (۱۴۲۷ق)، *توحید عینی و علمی*، مشهد، مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، چاپ دوم.
۷۳. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف فی الکلام*، قم، انتشارات الهادی، چاپ اول.
۷۴. خادمی، حمیدرضا (۱۳۹۹ش)، «*تبیین رابطه صفات ذاتی و ذات واجب از دیدگاه صدرالدین شیرازی*»، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی، سال هشتم، شماره دوم، بهار و تابستان.
۷۵. خادمی، حمیدرضا (۱۳۹۷ش)، *بررسی و نقد دیدگاه ملارجبعلی تبریزی و قاضی سعید قمی*، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی-کلامی، سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان.
۷۶. درودآبادی، سید حسین (۱۴۲)، *شرح الأسماء الحسنی*، قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم.
۷۷. دشتکی، منصور بن محمد (۱۳۸۲ش)، *اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور*، تهران، مرکز پژوهش میراث مکتوب، چاپ اول.
۷۸. دوانی، محمد بن اسعد (۱۴۱۱ق)، *ثلاث رسائل*، محقق: احمد تویسرکانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۷۹. ذبیحی، محمد (۱۳۸۳ش)، «*اتحاد مفهومی و مصداقی ذات و صفات واجب تعالی از دیدگاه ابن سینا*»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، شماره ۱۳، زمستان.
۸۰. رازی، ابوبکر احمد (۱۴۲۲ق)، *شرح بدء الأمالی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۸۱. رازی، فخرالدین (۱۹۸۶ق)، *الاربعین فی اصول الدین*، قاهره، مکتبة الکیلیات الازهریة، چاپ اول.
۸۲. (بی‌تا)، *الاشارة فی علم الکلام*، تحقیق: هانی محمد حانز، قاهره، المکتبة الازهریة، چاپ اول.
۸۳. (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۸۴. (۱۴۰۶ق)، *شرح اسماء الحسنی*، قاهره، مکتبة الکیلیات الازهریة، چاپ اول.
۸۵. (۱۴۱۱ق)، *المحصل*، عمان، دار الرازی، چاپ اول.
۸۶. (۱۴۲۰ق)، *المطالب العالیة من العلم الالهی*، تحقیق: محمد عبدالسلام شاهین، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ اول.

۸۷. ربانی گلیایگانی، علی (۱۳۹۳ش)، *کلام تطبیقی توحی، صفات و عدل الهی، قم، المصطفی، چاپ سوم.*
۸۸. رصاص، احمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *مصباح العلوم فی معرفة الحی القیوم، تحقیق: محمد عبدالسلام کفانی، صنعاء، دار الحکمة الیمانیة، چاپ اول.*
۸۹. زکشی، بدرالدین (۱۴۱۸ق)، *تشنیف المسامع بجمع الجوامع، تحقیق: سید عبدالعزیز، مکه، مکتبة قرطبة للبحث العلمی و احیاء التراث، چاپ اول.*
۹۰. زوزی، ملاعبدالله (۱۳۸۱ش)، *لمعات الهیة، مصحح: جلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، چاپ اول.*
۹۱. ذهبی، سیدعباس (۱۳۹۸ش)، *«الهیات سلبی حمیدالدین کرمانی، دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه کلام»، سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان.*
۹۲. ذهبی، شمس الدین (۱۴۲۴ق)، *العرش، تحقیق: محمد بن خلیفة، مدینه، عمادة البحث العلمی، چاپ دوم.*
۹۳. سبحانی، جعفر (۱۴۱۲ق)، *الالهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیة، چاپ سوم.*
۹۴. (۱۳۷۰ش)، *بحوث فی الملل و النحل، قم، لجنة ادارة الحوزة علمیه، چاپ اول.*
۹۵. (۱۴۲۵ق)، *رسائل و مقالات، قم، مؤسسة الامام الصادق، چاپ اول.*
۹۶. (۱۳۹۱ش)، *«توحید صفاتی»، فصلنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی، سال بیست و یکم، شماره ۸۴.*
۹۷. (۱۴۲۸ق)، *محاضرات فی الالهیات، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ یازدهم.*
۹۸. سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵ش)، *مدخل: اسماء و صفات خداوند، دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی اکبر رشاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم، تهران.*
۹۹. سبزواری، ملاحادی (۱۳۸۳ش)، *اسرارالحکم، قم، مطبوعات دینی، چاپ اول.*
۱۰۰. (۱۳۷۶ش)، *رسائل حکیم سبزواری، مصحح: جلال الدین آشتیانی، تهران، اسوه، چاپ اول.*
۱۰۱. سبکی، عبدالوهاب (۱۴۲۱ق)، *السیف المشهور فی شرح عقیده ابی منصور، تحقیق:*

- دکتر مصطفی صائم بیرم، استانبول، جامعه مرمرة، چاپ اول.
۱۰۲. سجستانی، ابویعقوب (بی تا)، *کتاب الافتخار*، تحقیق: مصطفی غالب، بیروت، دار الأندلس، چاپ اول.
۱۰۳. السعدی، عبدالرحمن (۱۴۲۴ق)، *اصول العقائد الدینیة*، ریاض، دار ابن الجوزی، چاپ اول.
۱۰۴. سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۱ش)، «*مبانی فلسفی توحید صفاتی از دیدگاه علامه طباطبایی*»، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه دین، دوره نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
۱۰۵. سفارینی، محمد بن احمد (۱۴۰۲ق)، *لوامع الأنوار البهیة*، دمشق، مؤسسة الخافقین، چاپ دوم.
۱۰۶. سید عبدالله، امام خنفی (۱۴۲۶ق)، *نقد الزیدية للمذاهب الکلامیة*، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، چاپ اول.
۱۰۷. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۳۸۷ق)، *جمل العلم والعمل*، نجف اشرف، مطبعة الآداب، چاپ اول.
۱۰۸. سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۷۲ش)، *مجموع مصنفات شیخ اشراق*، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
۱۰۹. شهرستانی، ابوالفتح (۱۴۰۴ق)، *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سید گیلانی، بیروت، دار المعرفة، چاپ اول.
۱۱۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۴۳۰ق)، *نهاية الاقدام فی علم الکلام*، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، چاپ اول.
۱۱۱. شهید مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، قم، صدرا، چاپ دوازدهم.
- ۱۱۲.
۱۱۳. شهرزوری، محمد بن محمود (۱۳۷۲ش)، *شرح حکمة الاشراق*، محقق: حسین ضیایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
۱۱۴. شهید مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران، صدرا، چاپ دوازدهم.
۱۱۵. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *النکت الاعتقادیة*، قم، المؤتمر العالمی

للسیخ المفید، چاپ اول.

۱۱۶. (۱۴۱۳ق)، *اوائیل المقالات فی المذاهب و*

المختارات، قم، المؤتمر العالمی لشیخ المفید، چاپ اول.

۱۱۷. شیرازی، ابواسحاق (۱۴۲۵ق)، *الاشارة الی مذهب الحق*، تحقیق: محمد حسن اسماعیل،

بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.

۱۱۸. (۱۳۶۰ش)، *اسرار الآیات*، تهران، انجمن حکمت و فلسفه، چاپ اول.

۱۱۹. (۱۳۶۸ش)، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، قم، مکتبه

المصطفوی، چاپ اول.

۱۲۰. (۱۳۶۰ش)، *الشواهد الربوبیة فی مناهج السلوکیة*، مشهد، مرکز نشر

دانشگاهی، چاپ اول.

۱۲۱. (۱۳۶۳ش)، *المشاعر*، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ اول.

۱۲۲. (۱۳۹۲ش)، *تعلیق بر حکمت الاشراق*، تهران، بنیاد حکمت اسلامی

صدرا، چاپ اول.

۱۲۳. (۱۳۶۶ش)، *شرح اصول الکافی*، محشی: علی بن جمشید نوری، تهران،

وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.

۱۲۴. (۱۳۸۲ش)، *شرح و تعلیقه صدر المتألهین بر الهیات شفا*، تصحیح:

نجف قلی حبیبی و محمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول.

۱۲۵. صابونی، نورالدین (۱۹۶۹م)، *البداية من الکفایة فی الهدایة فی اصول الدین*، محقق: فتح

الله خلیف، اسکندریة، دار المعارف، چاپ اول.

۱۲۶. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، تحقیق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین،

چاپ اول.

۱۲۷. الصلابی، علی محمد (۱۴۲۶ق)، *من عقیده المسلمین فی صفات رب العالمین*، بیروت،

دار المعرفة، چاپ اول.

۱۲۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶ش)، *نهاية الحکمة*، مصحح: غلامرضا فیاضی، قم، مؤسسه

آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.

۱۲۹. طوسی، خواجه نصیرالدین (بی‌تا)، *قواعد العقائد*، تعلیق: جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام

صادق علیه السلام، چاپ اول.

۱۳۰. (۱۴۱۶ق)، *قوائد العقائد*، تحقیق، علی ربانی گلیپایگانی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، چاپ اول.
۱۳۱. طوفی، سلیمان بن عبد (۱۴۲۶ق)، *الاشارات الالهية الى المباحث الاصولية*، تحقیق: محمد حسن اسماعیل، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۱۳۲. عابدی، احمد (۱۳۹۶ش)، «*بررسی و نقد دیدگاه قاضی سعید قمی در نفی اتصاف ذات خداوند به اسماء و صفات*»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره سوم و چهارم، زمستان.
۱۳۳. علامه البیاضی، احمد (۱۴۲۵ق)، *اشارات المرام من عبارات الامام*، تحقیق: یوسف عبدالرزاق، کراچی، زمزم پبلشرز، چاپ اول.
۱۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۵ش)، *الباب الحادی عشر*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، چاپ اول.
۱۳۵. (۱۳۶۳ش)، *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، قم، الشریف الرضی، چاپ دوم.
۱۳۶. (۱۴۱۳ق)، *کشف الفوائد فی شرح قوائد العقائد*، تحقیق: شیخ حسن مکی عاملی، بیروت، دار الصفوة، چاپ اول.
۱۳۷. (۱۴۰۷ق)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تصحیح: حسن حسن زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پانزدهم.
۱۳۸. العمرانی، ابوالحسن (۱۴۱۹ق)، *الانتصار فی الرد علی المعتزلة القدرية الاشرار*، تحقیق: سعود بن عبدالعزيز الخلف، اضواء السلف، چاپ اول.
۱۳۹. غامدی، احمد بن عطیة (۱۴۲۳ق)، *البيهقي و موقفه من الالهيات*، مدینه، عمادة البحث العلمي بالجامعة الاسلامی، چاپ اول.
۱۴۰. غزالی، ابوحامد (۱۴۲۴ق)، *الاقتصاد فی الاعتقاد*، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
۱۴۱. (بی تا)، *مشکاة الانوار*، تحقیق: ابوالعلا عفیفی، قاهره، درا القومیة للطباعة و النشر، چاپ اول.
۱۴۲. غزنوی، جمال الدین (۱۴۱۹ق)، *اصول الدین*، تحقیق: عمر و فیک الداعوق، بیروت، دار البشائر الاسلامیة، چاپ اول.
۱۴۳. غزنوی، سراج الدین (۲۰۰۹م)، *شرح عقیده الامام الطحاوی للغزنوی*، محقق: حازم

- الکیلانی الحنفی و محمد عبدالقادر نصار، قاهر، داره الکرز، چاپ اول.
۱۴۴. فارابی، محمد بن محمد (۱۳۸۱ش)، *فصوص الحکمة و شرحه*، شارح: اسماعیل غازانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگ، چاپ اول.
۱۴۵. فاضل مقداد، جمال‌الدین (۱۴۰۵ق)، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين*، تحقیق: سید مهدی رجانی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول.
۱۴۶. (۱۴۱۲ق)، *الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد*، تحقیق: ضیاء‌الدین بصری، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول.
۱۴۷. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۲۵ق)، *انوار الحکمة*، قم، انتشارات بیدار، چاپ اول.
۱۴۸. (۱۴۱۸ق)، *علم الیقین فی اصول‌الدین*، قم، انتشارات بیدار، چاپ اول.
۱۴۹. قاری، ملاعلی (۱۹۹۵م)، *الرد علی القائلین بوحدة الوجود*، دمشق، دار المأمون للتراث، چاپ اول.
۱۵۰. (۱۴۱۹ق)، *منح الرض الازهر فی شرح الفقه الاکبر*، تعلیق: وهبی سلیمان غاوجی، بیروت، دار البشائر الاسلامیه، چاپ اول.
۱۵۱. قاضی عبدالجبار، قوام‌الدین (۱۴۲۲ق)، *شرح الاصول الخمسة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۵۲. قسی، قاضی سعید بن محمد مفید (۱۴۱۵ق)، *شرح توحید الصدوق*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۱۵۳. قونوی، صدرالدین (۱۳۷۵ش)، *النفحات الالهیه*، تهران، انتشارات مولی، چاپ اول.
۱۵۴. (۱۳۶۲ش)، *رسالة النصوص*، تصحیح: جلال‌الدین آشتیانی، بی‌جا، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۱۵۵. کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۰ش)، *شرح فصوص الحکم*، قم، انتشارات بیدار، چاپ چهارم.
۱۵۶. کبیر علال، خالد (۱۴۲۶ق)، *الازمة العقیدیه بین الاشاعرة و اهل الحدیث خلال القرنین*، الجزایر، دار الامام مالک، چاپ اول.
۱۵۷. کردی، راجح عبدالحمید، (۲۰۱۰م)، *علاقة صفات الله تعالی بذاته*، عمان، دار المأمون، چاپ سوم.
۱۵۸. کرمانی، حمیدالدین (۱۹۸۳م)، *راحة العقل*، تحقیق: دکتر مصطفی غالب، بیروت، دار





- الاندلس، چاپ دوم.
۱۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۱۶۰. گروهی از نویسندگان پژوهشکده تحقیقات اسلامی (۱۳۸۶ش)، *فرهنگ شیعه*، قم، زمزم هدایت، چاپ دوم.
۱۶۱. گروهی از نویسندگان (۲۰۰۶م)، *اربعه کتب اسماعیلیه*، دمشق، التکوین، چاپ اول.
۱۶۲. لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۸۳ش)، *گوهر مراد*، تهران، نشر سایه، چاپ اول.
۱۶۳. لاهیجی، ملا محمد جعفر (بی تا)، *شرح رساله المشاعر ملاصدر*، تعلیق: جلال الدین آشتیانی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۱۶۴. ماتریدی، ابومنصور (بی تا)، *التوحید*، تحقیق: فتح الله خلیف، اسکندریه، دار الجامعات المصریه، چاپ اول.
۱۶۵. (بی تا)، *شرح الفقه الاکبر*، قطر، نفقه الشؤون الدینیة، چاپ اول.
۱۶۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۵ق)، *تعلیقه علی النهایه*، قم، انتشارات فی طریق الحق، چاپ اول.
۱۶۷. مصطفوی، محمد کاظم (بی تا)، *الحکمة المتعالیه*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
۱۶۸. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷ش)، *عقائد الامامیه*، قم، انتشارات انصاریان، چاپ دوازدهم.
۱۶۹. (۱۴۱۴ق)، *الفلسفه الاسلامیه*، بیروت، دار الصفوة، چاپ اول.
۱۷۰. منصور، مهدی (۱۳۹۶ش)، «*مبانی و مراحل عینیت صفات با ذات الهی در دیدگاه صدر المتألهین و تطبیق آن با روایات*»، فصلنامه علمی پژوهشی حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان.
۱۷۱. موسوی زنجانی، سیدابرهیم (۱۴۱۳ق)، *عقائد الإمامیه الاثنی عشریه*، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ سوم.
۱۷۲. میدانی، عبدالغنی (۱۹۹۵ق)، *شرح العقیده الطحاویه*، تحقیق: محمد مطیع الحافظ، بیروت، دار الفكر المعاصر، چاپ سوم.
۱۷۳. ناطقی، حیات الله (۱۳۸۵ش)، *خدا و صفات در مکتب امامیه و ماتریدیه*، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ اول.
۱۷۴. (۱۳۸۴ش)، «*بررسی تطبیقی مبحث صفات الهی از منظر علامه*

- طباطبایی و ابومنصور ماتریدی»، فصلنامه طلوع سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان. ۱۷۵. نراقی، ملامهدی (۱۴۲۳ق)، جامع الافکار و ناقد الانظار، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول.
۱۷۶. (۱۳۸۰ش)، شرح الالهيات من كتاب الشفاء، مصحح: حامد ناجی اصفهانی، تهران، کنگره بزرگداشت محققان ملا مهدی و ملا احمد نراقی، چاپ اول.
۱۷۷. (۱۳۸۱ش)، اللمعات العرشية، تحقیق: علی اوجبی، کرج، انتشارات عهد، چاپ اول.
۱۷۸. نسفی، ابومعین (۱۴۰۶ق)، التمهيد لقواعد التوحيد، تحقیق: حبیب الله حسن احمد، قاهره، دار الطباعة المحمدية، چاپ اول.
۱۷۹. (۲۰۱۱م)، تبصرة الادلة في اصول الدين، تحقیق: دکتر محمد انور حامد عیسی، قاهره، مكتبة الازهرية للتراث، چاپ اول.
۱۸۰. نسفی، میمون بن محمد (۱۴۲۱ق)، بحر الکلام، محقق: محمد صالح الفرفور، دمشق، دار الفرفور، چاپ دوم.
۱۸۱. نعمانی فرحات، هانی (۱۴۰۶ق)، نصیرالدين طوسی و آراءه الفلسفية و الكلامية، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۸۲. الهرری، عبدالله (۱۴۳۵ق)، المطالب الوفية شرح العقيدة النسفية، بیروت، دار المشاریع، چاپ دوم.
۱۸۳. همدانی درودآبادی، سیدحسین (۱۴۲۶ق)، شرح الأسماء الحسنی، قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم.